

بازی کلان و مشکل افغانستان!



جنگ منافع، بازی قدرت و جنگ‌های استخباراتی به سرعت افغانستان را دستخوش حوادث سیاسی ماحول خود گردانیده و در نبود ثبات سیاسی، برخلاف منافع ملی کشانیده می‌شود. دقیقاً با روی کار آمدن حکومت نو، آهنگ صلح با طالبان همزمان با حملات و خشونت‌های بی‌سابقه شان و موازی با آن موج وحشت‌آفرینی بنام داعش، میدانی شدن یکباره‌گی آی اس آی و امضای تفاهنامه،...

ادامه صفحه ۶

اداره امنیت ملی افغانستان:

اوضاع بدتر می‌شود



شکله ۶

مأموران امنیتی نمی‌توانند لب بکشایند!



کارکرد مسوولان حکومتی در پیوند با سیاست جنگی حکومت بیشتر شده است. پیشتر عبدالرحمان از افسران پولیس در پی انتقاد از غذای سربازان در شمال کشور از سوی مقامات ارشد تهدید به برکناری شده است.

با دشمنان سرزمین می‌جنگم و هیچ احساس خسته‌گی از جنگ با دشمن ندارم. اما از عدم هماهنگی در ارتش نمی‌توانم چشم‌پوشی کنم. چند روز پیش رسانه‌ها راجع به جنگ کندز مصاحبه بنده را گرفتند و من آن چه را که گفتم، از روی دل‌سوزی و صداقت با این سرزمین بود. وزارت دفاع اما از این رویداد اظهار بی‌خبری می‌کند. دولت وزیری، معاون سخنگوی وزارت دفاع گفت که هر مأمور وزارت دفاع که شکایتی داشته باشد، در صورتی که شکایتش به جا باشد، در ارگان مربوطه‌اش بی‌هیچ مجازات و پی‌گردی، ثبت و دنبال می‌شود. اما آقای دولت وزیری از مورد فرمانده عبدالخبیر شکیب اظهار بی‌خبری کرد و تأکید داشت که اگر وی حق به‌جانب باشد، کسی حق بازداشت کردن او را ندارد. در روزهای اخیر و پس از گسترش جنگ در مناطق شمال کشور، انتقادهای سربازان و افسران ارتش از

عبدالخبیر شکیب از فرماندهان کندک دوم فرقه ۱۱۱ ارتش، در پی انتقادهایی در پیوند با جنگ کندز، زیر نظارت قرار گرفت. بسته‌گان این فرمانده ارتش می‌گویند که او و افرادی از نخستین گروه کمکی در جنگ چهاردره کندز بودند. به گفته آن‌ها، آقای شکیب پس از آن‌که از عدم اراده حکومت در نبرد با طالبان با رسانه‌ها صحبت کرده، از سوی مقامات ارتش نخست وظیفه‌اش به حالت تعلیق درآمده و سپس به نظارت‌خانه نظامی ارتش فرستاده شده است.

او در ویدیویی که در صفحات اجتماعی پخش شده، می‌گوید که کار مقام‌های وزارت دفاع در پیوند با جنگ کندز نمایشی بیش نیست. این انتقاد در پیامی که از طریق صفحه فیس‌بوک این فرمانده منتشر شده نیز دیده می‌شود. در بخشی از پیام فیس‌بوکی فرمانده شکیب آمده است: «در خط مقدم جنگ در ولسوالی چهاردره کندز

رییس اداره ارگان‌های محلی:

۲۲ والی تعیین شده است



رییس اداره مستقل ارگان‌های محلی می‌گوید که در تعیین والی‌ها نقش ندارند و همچنین اعتراض‌های مردم، بدون ارزیابی، باعث برکناری و رد والی‌ها نخواهد شد. غلام جیلانی پوپل، رییس عمومی اداره مستقل ارگان‌های محلی در جریان رایه برنامه صد روز آینده خود گفت: «اعتراض حق قانونی مردم است و ما جلو این حق را گرفته نمی‌توانیم؛ این تظاهرات‌ها را که در دو ولایت رخ داده، در حال ارزیابی کردن هستیم و مشخص خواهد شد که تاچه اندازه این اعتراضات بجا است و بعد از آن فیصله سیاسی صورت می‌گیرد.» وی افزود: اعتراضاتی که صورت می‌گیرد؛ به این معنی نیست که ما فوراً فرمان برکناری یا تفری شخصی را صادر نماییم؛ تظاهرات بدون ارزیابی،

ادامه صفحه ۶

پاکستان از حرف تا عمل

پاکستانی‌ها سیاست سرگرم‌سازی افغانستان را به‌خوبی یاد دارند و از همین ترغند در حال حاضر سود می‌برند. هیچ امیدی نسبت به همکاری پاکستان در زمینه تامین صلح و جلوگیری از ناامنی‌ها وجود ندارد و به همین دلیل، دولت افغانستان باید از گزینه‌های لازم برای تامین امنیت کشور استفاده کند. تهدید و هشدار راه به جایی نمی‌برد. پاکستان خوب می‌داند که نقاط ضعف دولت افغانستان کجاست و چگونه می‌تواند بر این کشور تأثیر بگذارد

شکله ۶

در برگ‌ها



۶ سرطان و ضرورت بازخوانی حافظه تاریخی ما

نگاهی به خدمات اجتماعی در اسلام



روشن‌فکری دینی و چالش‌های فراراه



اتحاد دو رهبر شمال ریشه گروه‌های دهشت‌افکن را می‌خشکد



سرطان

و ضرورت بازخوانی حافظه تاریخی ما



در فرجام تأمین قانونیت لویه جرگه تغییر نظام دانسته می‌شود، هنوز به کار آغاز نکرده است. در طول ده ماه گذشته، رئیس جمهور غنی حتا یک بار از توافق‌نامه سیاسی که مبنای ایجاد دولت وحدت ملی است، نامی به زبان نیاورده و این کشور در یک سال گذشته با چالش‌های بی‌شمار دیگری در عرصه‌های امنیتی، اقتصادی و حتا اجتماعی روبه‌رو بوده که اقدامات دولت در مواجهه با این چالش‌ها، نه تنها از موفقیت و کارایی لازم برخوردار نبوده، بلکه مزید بر علت‌های گوناگون دیگر در فرسایش اعتماد مردم نسبت به دولت نیز پنداشته شده می‌تواند. با آنکه اکنون که یک سال از آن روز تاریخی می‌گذرد، مردم روی هم‌رفته پابرجا و استوار برای حمایت از حکومتی که بیشتر محصول ایستاده‌گی‌شان در جمعه پس از انتخابات است تا خود انتخابات ۹۳، ایستاده‌اند. اما این‌که دولت وحدت ملی در یک سال گذشته تا چه حد منطبق وجودی‌اش را به یاد داشته و چه‌قدر در مسیر تعهدات و موارد مندرج در وثیقه ایجاد خودش (توافق‌نامه سیاسی) حرکت کرده، جای بحث و کنکاش‌های فراوان است که رهبری دولت وحدت ملی را وامی‌دارد که به تمامی پرسش‌ها، دغدغه‌ها و نگرانی‌های مردم نسبت به سرنوشت امروز و آینده‌شان پاسخ دهند. در کنار رهبران کنونی دولت وحدت ملی، بودند کسانی که با سوار شدن بر موج شورانگیز حضور مردم در صحنه، در جایگاه تیکه‌داران رای مردم گلو پاره کردند، اما یک سال گذشته را فقط و فقط مشغول باج‌گیری از رهبران دولت وحدت ملی بوده یا به هر دلیلی سکوت پیشه کرده‌اند. به این صورت و با توجه به چالش‌های فزاینده موجود فراره دوام کار دولت وحدت ملی، قابل یاددهانی است که رویداد ۶ سرطان سال پار، تنها محصول کار سیاست‌بازان مهم، محترم، ثروتمند و فاقد دیدگاه که در اطراف نامزدان برتر انتخابات ۹۳ پرسه می‌زدند و در یک سال گذشته آرام‌آرام بر سمت‌های دولتی تکیه زدند نه، بلکه ناشی از حضور آگاهانه و مسوولانه نسل نو و مردمی است که بازی کردن با شعور و احساسات آنان، هزینه‌های سنگینی برای نظم نیم‌بند کنونی خواهد داشت. در فرجام باید هشدار داد که اگر یک بار دیگر زمینه‌های تکرار آن‌چه در ششم سرطان سال پار در کابل اتفاق افتاد، فراهم شود؛ چنین موجی دیواره‌های سنگین و آهنین ارگ و دیگر کاخ‌های قدرت را خواهد شکافت و آن‌گاه فروپاشی شیرازه‌های قدرت، به واقعیت غیرقابل انکار جامعه افغانستان مبدل خواهد شد و تمثیل نظم حداقلی مورد نظر «جامعه جهانی» در این سرزمین نیز به چالش‌های جدی‌تر از طالب و داعش روبه‌رو خواهد شد.

در پی خواهد داشت؛ اما در فرجام معترضان با طرح دیدگاه‌ها و خواست‌های‌شان عنوانی رئیس جمهور وقت، کمیسیون‌های انتخاباتی و جامعه جهانی پراکنده شدند. با این حال، حتا درخواست‌های مکرر دکتر عبدالله مبنی بر این‌که ادامه دادخواهی در این باره را به او واگذار کنند، مانع برپایی خیمه‌های تحسن و پی‌گیری مسأله توسط فعالان مدنی و سیاست‌گران جوان نشد. آنان با استفاده از ابزارها و روش‌های متفاوت، به دادخواهی و اعتراض ادامه دادند، تیم تحول و تداوم به رهبری دکتر اشرف‌غنی اما با خون‌سردی قضایا را دنبال می‌کرد. تا این‌که در نتیجه میانجی‌گری جان کری وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا، توافق‌نامه سیاسی میان رهبران دو تیم انتخاباتی امضا شد و پس از آن‌که کمیسیون انتخابات با اذعان به ناتوانی در رسیدن به نتیجه مشخص و قابل قبول هر دو طرف پس از بازشماری کامل آرای انتخابات و پیچیده بودن تقلبات صورت گرفته در این انتخابات، دکتر اشرف غنی را رئیس جمهوری افغانستان عنوان کرد، دولت وحدت ملی بر مبنای توافق‌نامه سیاسی شکل گرفت و دکتر عبدالله به عنوان شریک ۵۰ درصدی قدرت سیاسی به عنوان رئیس اجرایی این دولت سوگند وفاداری یاد کرد. بندهای اساسی توافق‌نامه سیاسی که بلافاصله پس از آغاز جنجال‌ها بر سر معرفی اعضای کابینه به فراموشی سپرده شد، در کنار ایجاد پست ریاست اجرایی و تقسیم مساویانه قدرت، شامل مسایل زیر است:

- ایجاد کمیسیون تعدیل قانون اساسی پس از انجام مراسم تحلیف
- ایجاد پست رهبری تیم دوم یا رهبر اپوزیسیون
- ایجاد کمیسیون اصلاحات انتخاباتی
- برگزاری انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی
- برگزاری لویه جرگه به منظور تعدیل قانون اساسی و تغییر نظام

در حالی که منطبق ایجاد دولت وحدت ملی، بیرون شدن کشور از بن‌بست سیاسی بوده و اجرایی شدن بندهای توافق‌نامه سیاسی به عنوان ضامن دوام ثبات در کشور طی دو سال پس از آغاز به کار آن مورد تأکید دو جانب و همچنان جامعه بین‌المللی قرار گرفته بود؛ در حدود ده ماه گذشته به استثنای معرفی اعضای کابینه و بگومگوهای سیاسی برخاسته از آن، اندک‌ترین گام برای اجرایی شدن بندهای اساسی این توافق‌نامه برداشته نشده است. در این یک سال از ایجاد کمیسیون تعدیل قانون اساسی نامی برده نشده، کمیسیون اصلاحات انتخاباتی که سنگ بنای برگزاری انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی

تا پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۳ خورشیدی، بسیاری از روشن‌فکران، فعالان مدنی و یک بخش از سیاسیون کشور در صدد همه‌گانی‌سازی این دیدگاه بودند که انتخابات یگانه گزینه مشروع و قانونمند انتقال قدرت سیاسی در کشور است. از این‌رو با دیدگاه‌هایی که در مغایرت یا مخالفت با این انگاره ابراز می‌گردید، با شدت برخورد می‌شد و مطرح‌کننده‌گان آن، با اتهاماتی از نوع ضدیت با دموکراسی، واپس‌گرایی و هم‌صدایی با جریان‌های تندرو و غیره روبه‌رو می‌شدند. اما با برگزاری این انتخابات و آن‌چه در پی آن آمد، بسیاری از انگاره‌ها در پیوند با آینده روند سیاسی جاری در کشور دچار دگرگونی و دگرگونی شد و اکنون کم نیستند کسانی که می‌گویند برای رفتن دوباره کشور به بحران و بی‌ثباتی، برگزاری یک انتخابات دیگر از نوع انتخابات ۹۳ کافی است. زیرا برگزاری دور نخست انتخابات ۹۳ (با وجود مشکلاتی که در این دور از انتخابات نیز وجود داشت) بسیاری از پارادایم‌های سنتی معطوف به قدرت و یا برخاسته از آن را به چالش فرا خواند، اما بازیگران صحنه سیاست و قدرت و همچنان مدیران تخنیک‌ی انتخابات نتوانستند با مدیریت بهینه این روند در دور دوم این انتخابات، از فرسایش اعتماد مردم جلوگیری کنند و بن‌بست انتخابات ۹۳ از جهت‌هایی بن‌بست پروسه قانون اساسی و روند دولت‌سازی نوین افغانستان نیز ارزیابی شد. یک سال پیش از امروز، پس از این‌که مباحث مربوط به وجود تقلبات گسترده و سازمان‌یافته در انتخابات دور دوم ریاست جمهوری بالا گرفت، به تاریخ ششم سرطان ۱۳۹۳ هزاران تن از شهروندان کشور در کابل به جاده‌ها سرازیر شدند تا اعتراض مدنی‌شان را نسبت به وجود تقلبات گسترده در دور دوم انتخابات ۹۳ تبارز دهند. این راه‌پیمایی در نوع خود بی‌سابقه بود و برخلاف زمزمه‌هایی که پیش از آن وجود داشت، بلند رفتن شعور سیاسی و حساسیت مردم نسبت به رای‌شان در انتخابات را به نمایش گذاشت. این راه‌پیمایی اگرچه به دلایل مختلف، دیدگاه و جایگاه آقای دکتر عبدالله عبدالله را در رویدادها و اتفاقات بعدی تقویت کرد؛ اما بسیاری از برگزارکننده‌گان آن در جنبش ضد تقلب و دیگر جریان‌های سیاسی از بیان این مسأله که آنان الزاماً نه به طرف‌داری از دکتر عبدالله، بلکه در ضدیت با تقلب و تاراج آرای مردم در این راه‌پیمایی بزرگ شرکت کرده‌اند، چشم‌پوشی نکردند. در حالی که پیشاپیش این نگرانی ابراز شده بود که ممکن است این حرکت به خشونت بینجامد، و در حالی که شماری از معترضان بر دیوارهای ارگ ریاست جمهوری نیز بالا شده بودند تا نشان دهند که بازی با رای و اراده جمعی‌شان پیامدهای زیانبار

سخن ماندگار

به‌جای سنگ‌اندازی عطا و دوستم شوید!

در این روزها خبر اتحاد استاد عطا محمد نور، سرپرست ولایت بلخ و رئیس اجرایی حزب جمعیت اسلامی با عبدالرشید دوستم معاون اول ریاست‌جمهوری و رهبر جنبش ملی اسلامی افغانستان، بحث‌هایی را در رسانه‌های کشور برانگیخته است. شخص استاد عطا و طرف‌داران این اتحاد می‌گویند: هدف از این اتحاد، «دفاع از جان و مال و عزت و ارزش‌های مردم افغانستان و حمایت از نیروهای امنیتی کشور است. اما برخی دیگر می‌گویند که با این اتحادها، افراد غیرمسئول مسلح می‌شوند و می‌توانند در بی‌ثباتی کشور نقش بازی کنند. البته این اتحاد بر اثر تلاش‌های بسیار شماری از فرماندهان احزاب جنبش و جمعیت در ولایات شمالی افغانستان از جمله ولایت فاریاب صورت گرفته و هنوز معلوم نیست که تا کجا و چه وقت پایدار می‌ماند. ولی نفس نظامی‌پوش شدن جنرال عطا محمد نور و شرکت او در نبردهای مستقیم برای تأمین امنیت ولایت بلخ، مخالفت مخالفان را برانگیخته و حالا این رزم‌جامه به تن کردن، وارد مرحله جدیدی شده است. اگرچه رقابت سرسخت آقایان دوستم و عطا در گذشته، تردیدهایی بر ثبات این جبهه ایجاد کرده و می‌کند، اما از آن‌جایی که وضعیت در شمال بحرانی‌ست و نیز در گذشته این چهره‌ها در کنار هم در برابر طالبان رزمیده‌اند و جبر زمان، رابطه‌های پرتنش آن‌ها را به تساهل و همکاری در زمینه‌های مشخص عوض کرده؛ مشکل زیادی فراره این اتحاد نمی‌توان دید. جنرال دوستم و عطا محمد نور سال‌ها با هم رفیق بودند و سال‌ها رقیب؛ اما حالا هر دو در بدنه حکومت وحدت ملی حرف اصلی را می‌زنند و وزنه اصلی در سبک و سنگین شدن دو ستون سیاسی دولت وحدت ملی هستند. تغییر جغرافیای جنگ در افغانستان، تلاش داعش برای نفوذ در شمال و گسترش عملیات طالبان در ولایات شمالی، از اصلی‌ترین دلایلی‌ست که می‌تواند رقابت گذشته را به رفاقت جدید گذار دهد و احزاب کلان جمعیت و جنبش در شمال را در کنار هم و در حمایت از نیروهای امنیتی کشور قرار دهد. حالا این اتحاد می‌تواند مخالفان خود را هم داشته باشد، ولی در عین حال می‌تواند سرمشقی برای دیگر نیروهای سیاسی در دیگر ولایات‌ها و سمت‌های کشور باشد تا مردم را در حمایت از نیروهای امنیتی افغانستان بسیج کند و در صورت ضرورت، خود مردم افغانستان زیر چتر نیروهای امنیتی، در برابر دشمن برزند. مسلماً همه آنانی که از نام و آدرس مردم، برای خود امکانات و قدرت فراوان کمایی کرده و به پایگاه و جایگاه والا دست یافته‌اند، می‌باید به‌مانند استاد عطا محمد نور و جنرال دوستم، در روزهای دشواری که بیشتر ولایت‌های کشور از جور داعش و طالب به ستوه آمده، با همدیگر متحد شوند و در کنار مردم و نیروهای امنیتی قرار بگیرند و به آن‌ها انگیزه مبارزه و ایستاده‌گی دهند. البته واضح و مبرهن است که در این بسیج عمومی علیه تروریسم، رعایت نظم و حفظ مصالح جامعه باید در اولویت قرار بگیرد. مبدا چنین شود که کسانی که راه‌اندازی بی‌نظمی و شکستادن حاکمیت قانون، مرتکب اعمالی شوند که مردم را بیشتر از گذشته پریشان و ناامید بسازند! به هر صورت، ایجاب می‌کند که سایر شخصیت‌های مطرح سیاسی و مردمی نیز به‌جای سنگ‌اندازی در اتحاد استاد عطا محمد نور و جنرال دوستم، به آن‌ها اقتدا کرده، عزم‌شان را برای دفاع از وطن جزم کنند و در حمایت از نیروهای امنیتی، وارد میدان مبارزه شوند و این‌گونه گلیم ناامنی در کشور را برچینند.

اعضای مجلس:

اتحاد دو رهبر شمال ریشه گروه‌های دهشت افکن را می خشکاند



است. او باور دارد که این اتحاد سبب خشکانده ریشه‌های گروه‌های دهشت افکن خواهد شد. آقای کلکانی می‌افزاید: آمدن ثبات و امنیت واقعی نیازمند همکاری و هم‌سویی مردم با نهادهای امنیتی‌شان است که این اتحاد باعث همکاری‌های بیشتر با دولت می‌شود و مردم مستقیماً در ایجاد امنیت سهم می‌گیرند. این عضو مجلس با اشاره به وضعیت جاری در کشور تصریح می‌کند: افغانستان امروز با تهاجم استخباراتی منطقه روبرو است که همبستگی مردم، نخبه‌گان و احزاب سیاسی افغانستان برای زدایش این مداخلات موثر تمام می‌شود. هم‌چنان، سمیع‌الله صمیم یکی دیگر از اعضای مجلس نماینده‌گان می‌گوید: عملی‌سازی این اتحاد قرار است در ولایت فاریاب آغاز شود که در صورت موثر بودن آن به ولایات دیگر افغانستان نیز کشانده خواهد شد. آقای صمیم می‌افزاید: «اتخاذ این گونه اتحاد با توجه به شرایط جاری افغانستان صد در صد موثر تمام خواهد شد.» این عضو مجلس تأکید می‌کند که این گونه اتحاد باید حوزه غرب، جنوب و شرق را نیز تحت پوشش بگیرد تا یک انقلاب همگانی برای از میان برداشتن تروریسم در تفاهم با دولت به میان آید تا ریشه گروه‌های دهشت افکن خشکانده شود.

محللی‌یی که شامل این اتحاد هستند به دلایل نا معلومی در جریان چند سال گذشته از نهادهای امنیتی دور گذاشته شده بودند که اگر آن‌ها در نهادهای امنیتی افغانستان جذب شوند به گونه درست توانایی مقابله با طالبان را دارند. آقای فایق تأکید می‌کند: «شرایط فعلی افغانستان نیازمند همکاری گسترده است، چون آی‌اس‌آی پاکستان و طالبان به گونه وسیع به مناطق شمالی حمله و برخی از ولسوالی‌ها را از حاکمیت دولت ساقط می‌سازند که در چنین وضعیتی، مسوولیت مردم بیشتر می‌شود تا در چارچوب حکومت ایستاده شوند و نقش خود را ایفا کنند.» او باور دارد که ایجاد این گونه اتحادها برای از میان بردن تروریسم در سراسر افغانستان نیاز است و اگر بی‌تفاوتی پراکنده‌گی در این زمینه دوام پیدا کند، مناطق بیشتری سقوط خواهد و نا رضایتی مردم از دولت بیشتر خواهد شد. این نماینده مردم فاریاب در مجلس خاطر نشان می‌کند که این اتحاد به خاطر جلوگیری از سقوط بیشتر مناطق، حمایت از دولت و نیروهای امنیتی کشور به میان آمده است. در این حال، داوود کلکانی عضو دیگر مجلس نماینده‌گان می‌گوید: در ماه‌های اخیر که وضعیت امنیتی در سراسر افغانستان و به ویژه ولایات شمالی وخیم شده که مشکلات زیادی مردم را تهدید می‌کند، اتخاذ این اتحاد قدم مثبت در جهت دفاع از تمامیت ارضی، استقلال و نوامیس ملی افغانستان

هارون مجیدی

شماری از اعضای مجلس نماینده‌گان با ابراز خوشبینی از اتحاد عبدالرشید دوستم معاون اول رییس‌جمهور و عطا محمد نور سرپرست ولایت بلخ برای مبارزه با طالبان در ولایات شمالی استقبال کرده می‌گویند که این اتحاد سبب ریشه‌کن شدن طالبان خواهد شد.

آنان هم‌چنان می‌گویند، با توجه به شرایط امروز افغانستان نیاز است تا مردم و نخبه‌گان افغانستان در همکاری و هم‌سویی با دولت در برابر دشمن بجنگند.

اخیراً شماری از فرماندهان حزب جنبش و جمعیت اسلامی افغانستان در ولایات شمالی کشور با یک‌دیگر متحد شدند تا در برابر طالبان بجنگند. این اتحاد میان عبدالرشید دوستم معاون اول رییس‌جمهور و رهبر حزب جنبش و عطا محمد نور سرپرست ولایت بلخ و رییس اجرایی حزب جمعیت اسلامی افغانستان انجام شده است.

عطا محمد نور، سرپرست ولایت بلخ گفته است که هدف از این اتحاد «دفاع از جان و مال و عزت و ارزش‌های مردم افغانستان و حمایت از نیروهای امنیتی کشور است.»

آقای نور هم‌چنان گفته است: «تغییر جغرافیای جنگ در افغانستان، تلاش داعش برای نفوذ در شمال و گسترش عملیات طالبان در ولایات شمالی» جمعیت و جنبش تعهد کرده اند تا «در کنار نیروهای امنیتی افغانستان» از مناطق شمال افغانستان دفاع کنند.»

داکتر نقیب‌الله فایق نماینده مردم فاریاب در مجلس می‌گوید: در این اواخر دیده می‌شد مسایلی که بیشتر در رقابت‌های انتخاباتی ریشه داشت، (میان رهبران) فاصله ایجاد کرده و حتا در بعضی موارد هنگامی که طالبان در مناطق تحت نفوذ یکی از احزاب جمعیت اسلامی و یا جنبش اسلامی افغانستان حمله کرده اند، فرماندهان این احزاب با هم همکاری نکرده‌اند. آقای فایق می‌افزاید: لازم بود تا میان فرماندهان هر دو حزب وحدت به وجود بیاید تا این‌ها در مناطق‌شان مشترکاً در برابر طالبان و تهدیدهای امنیتی کار کنند.

آقای فایق تصریح می‌کند: در گذشته هم همین فرماندهان بودند که در مقابل طالبان جنگیدند و آنان را شکست دادند و امروزه نهادهای امنیتی افغانستان نیازمند حمایت مردمی است که این اتحاد باعث تقویت این نیروها خواهد شد.

این عضو مجلس خاطر نشان می‌کند که فرماندهان

صرفه جویی در مصارف نهادهای دولتی



در جلسه کمیسیون ملی تدارکات که روز گذشته در ارگ ریاست جمهوری برگزار شد، قراردادهای وزارت‌های دفاع ملی، داخله، ترانسپورت، مالیه، زراعت و آبیاری و معارف و اداره مستقل هوانوردی ملکی مورد بررسی قرار گرفت که در نتیجه تعدادی از قرار دادها منظور و شمار دیگر به خاطر دقت و اصلاحات بیشتر به جلسه بعدی موکول گردید.

براساس خبرنامه ارگ، کمیسیون تدارکات ملی فیصله کرد که به اساس قرارداد تصویب شده وزارت معارف به ارزش ۶۲ میلیون افغانی، سه میلیون جلد کتاب جهت چاپ به مطابع داخلی سپرده شود که از این کتاب‌ها ۲،۱ میلیون دانش‌آموز بهره‌مند خواهند شد.

در یک قرارداد اداره مستقل هوانوردی ملکی اضافه از دوصد میلیون دالر صرفه‌جویی شده است و در خصوص قرارداد میدان هوایی خوست فیصله به عمل آمد که والی خوست در قرارداد مذکور به منظور شفافیت و دقت بررسی‌های همه جانبه نماید.

به همین ترتیب در جلسه کمیسیون ملی تدارکات بعد از ارزیابی قراردادهای وزارت دفاع ملی به این وزارت هدایت داده شد که قراردادهای ادویه جات را از پروسه اجناس عام بیرون نموده و چوکات خاص تدارکاتی برایش تنظیم گردد.

رییس‌جمهور غنی از اداره سیستمی که در خصوص ارقام باقی مانده ۸،۹ میلیارد افغانی به کمیسیون ملی تدارکات معلومات ارایه کرد، اظهار امتنان نمود و فیصله گردید که سرپرست وزارت دفاع ملی بخاطر مصارف ۸،۹ میلیارد افغانی پلان مشخص آماده نماید.

رییس‌جمهور همچنان از اداره سیستمی که از جمله ۹۲۵ قرارداد وزارت داخله در تشخیص مشکلات قانونی ۸۸۸ قرارداد سهم گرفته و در این رابطه به کمیسیون تدارکات ملی همکاری نموده است، تشکر نمود.

همچنان ارزیابی تیم متخصصین تحت ریاست داکتر ودان نشان می‌دهد که تا پایان سال ۲۰۱۶ چاپ پاسپورت ممکن است، اما تا آن زمان باید برای چاپ یک میلیون پاسپورت مورد ضرورت، قرار دادهای قبلی ادامه داده شود.

در اخیر این جلسه در مورد قراردادهای ساختمانی وزارت مالیه فیصله به عمل آمد که باید ادارات سازمان ملل متحد بخصوص اداره UNOPS در داوطلبی قرارداد‌های ساختمانی سهم نگیرند، اما برای تطبیق پلان تدریجی این کار باید یک طرح آماده گردد.

پولیس قندوز:

۱۹ طالب در عملیات هوایی کشته شدند

پولیس قندوز اعلام کرده که در جریان عملیات هوایی علیه افراد وابسته به گروه طالبان، ۱۹ تن آنان کشته شده‌اند. سرور حسینی، سخنگوی پولیس قندوز گفته که این افراد دیشب در جریان عملیات هوایی علیه شورشیان در منطقه علی‌آباد کشته شدند که پنج شورشی خارجی از جمله یک زن در میان آن‌ها بوده است. آقای حسینی گفته که هشت شورشی دیگر در این عملیات زخمی شده‌اند. طالبان تاکنون در مورد این خبر، واکنشی نشان نداده‌اند. از سوی دیگر، به دنبال تصرف ولسوالی چهاردره در ولایت قندوز، صدیق صدیقی سخنگوی وزارت داخله گفته که چهاردره پاکسازی شده و در نتیجه این عملیات به شورشیان تلفات سنگینی وارد شده، اما آماری در این مورد ارائه نکرده است. سخنگوی پولیس قندوز گفته است که جاده

سفر جنرال علومی به پاکستان به تعویق افتاد



سفر نورالحق علومی، وزیر داخله کشور به پاکستان که قرار بود در جریان هفته جاری صورت بگیرد به تعویق افتاده است. صدیق صدیقی، سخنگوی وزارت داخله دیروز با اعلام تعویق سفر آقای علومی به پاکستان، علت آن را مصروفیت‌های وظیفه‌ای و موضوعات امنیتی عنوان کرده است. به گفته او، وزیر داخله به دعوت رسمی مقام‌های پاکستانی قرار بود به این کشور سفر کند. سخنگوی وزارت داخله می‌گوید که آقای علومی در یک زمان مناسب دیگر به پاکستان سفر خواهد کرد. آقای علومی در حالی قرار بود به پاکستان سفر کند که ناامنی در شماری از ولایات افغانستان به صورت قابل توجهی افزایش یافته است. مجلس نمایندگان افغانستان نیز دیروز وزیر داخله، رییس امنیت ملی و رییس

نگاهی به خدمات اجتماعی در اسلام

بخش ششم

زکات می‌گرفت. در نظام خدمات و تکافل اجتماعی صدر اسلام، تأمین نیازهای اقشار آسیب‌پذیر مانند فقیران، بدهکاران، برده‌گان، سالمندان از کارافتاده و بیماران و برده‌گان در اولویت قرار داشته است.

آثار عملی الگوی خدمات و تکافل اجتماعی صدر اسلام

الگوی خدمات و تکافل اجتماعی صدر اسلام، که توسط پیامبر اکرم (ص) پایه‌ریزی و تطبیق گردید و در زمان خلفای راشدین ادامه یافت، به تدریج آثار و برکات خود را در جامعه نشان داد. برخی از آن‌ها مانند برچیده شدن برده‌داری و استقرار نظام بهداشت و درمان، در دوره‌های طولانی‌تری ظاهر شدند. اما رفع فقر که مهم‌ترین هدف نظام تأمین اجتماعی صدر اسلام به شمار می‌آید، در دوره‌های بعدی تاریخ اسلام ظاهر گردید. در آغاز استقرار مسلمانان در مدینه، دامنه فقر بسیار گسترده بود. علاوه بر اصحاب صُغّه، که در فقر شدید به سر می‌بردند، زنده‌گی مهاجران به انصار وابسته بود، اما دیری نپایید که به برکت برنامه‌های صحیح اقتصادی و خدمات اجتماعی، وضعیت همه آنان بهبود یافت، به نحوی که در اواخر سال‌های عمر پربخت پیامبر (ص) همه‌گی مهاجران، مسکن، شغل و وضعیت رفاهی مناسبی پیدا کردند.

در دوره خلافت ابوبکر صدیق هم به‌طور مداوم از تعداد فقرا کم و بر تعداد کسانی که توانایی پرداخت زکات را پیدا می‌کردند، افزوده می‌شد. این روند ادامه یافت، تا این‌که از زمان خلیفه دوم به بعد در اکثر نقاط حاکمیت اسلامی، حتی در منطقه دورافتاده‌ی یمن در جنوب شبه‌جزیره، مستحقی برای اعطای زکات پیدا نمی‌شد.

بر پایه روایت ابوعبید، معاذ بن جبل که از سوی پیامبر اکرم (ص) به امارت یمن اعزام شده و تا زمان عمر در این سمت ایفا گردیده بود، یک سال ثلث زکات جمع‌آوری شده را به مدینه نزد خلیفه فرستاد. عمر از این موضوع برآشفت و به او نوشت: من تو را برای گرفتن جزیه و خراج نفرستادم، بلکه برای این فرستادم که صدقات و زکات را از ثروتمندان بگیری و به مصرف فقرا برسانی و فقرای هر محل برای هزینه شدن آن بر سایر فقرا اولویت دارند. معاذ در پاسخ نوشت: چیزی به سوی تو نفرستادم، مگر به دلیل این‌که کسی را برای دریافت آن در محل پیدا نکردم. در سال دوم، معاذ نیمی از زکات را به مرکز فرستاد و همان‌گفت‌وگو میان آن‌ها صورت گرفت. در سال سوم، وی همه زکات جمع‌آوری‌شده را ارسال نمود و عمر نیز همان حرف سابق را تکرار کرد. معاذ پاسخ داد که برای دریافت آن‌ها کسی را پیدا نکرده است. ۲۰ در دوره حکومت عمر بن عبدالعزیز نیز عین حادثه تکرار گردید، چنان‌که در روایت بیهقی از عمر بن اسید آمده است که: عمر بن عبدالعزیز در دوران حکومت خود، مردم را تا حدی بی‌نیاز گردانید که مسئولین کسی را نمی‌یافتند که مال صدقه را برایش بدهند. یحیی بن سعید می‌گوید: عمر بن عبدالعزیز مرا برای اداره امور زکات به افریقا فرستاد، من زکات آن‌جا را جمع‌آوری کردم، اما فقیری نیافتم که آن را توزیع نمایم؛ لهذا ناچار با آن برده خریدم و آزاد کردم. ۲۱

مشارکت‌های مردمی که در جهان امروز به‌شدت مورد تأکید قرار دارد، یکی از پایه‌های اصلی سیاست‌های خدمات و تکافل و تأمین اجتماعی پیامبر اکرم (ص) محسوب می‌شود. حضرت، با اتکا به انگیزه‌های ایمانی، به‌طور مداوم مسلمانان، به‌ویژه ثروتمندان جامعه را به یاری نیازمندان ترغیب می‌کردند. اجرای این سیاست، از اولین روزهای دعوت پیامبر (ص) در مکه، در دستور کار قرار گرفت. در صدر اسلام، تنها منبع هزینه‌های عمومی مانند تأمین نیازهای تهیدستان، مخارج جنگ، ساختن مسجد، پل، جاده و غیره، مشارکت‌های مردمی بود.

مطالعه سیره پیامبر اکرم (ص) نشان می‌دهد که سیاست ایشان در عرضه خدمات اجتماعی، بر افزایش عرضه و کاهش تقاضا از طریق سیاست خوداتکایی و توانمندسازی افراد بوده است. ایشان با این سیاست، بازار عرضه و تقاضای خدمات اجتماعی را به وضعیت متعادل خودکار نزدیک نموده، زمینه دخالت دولت را به حداقل میزان خود تقلیل داده بودند.

۳- تشریح منابع خدمات تکافل اجتماعی: آخرین حلقه از اقدامات انجام شده برای استقرار نظام خدمات تکافل و تأمین اجتماعی در صدر اسلام است.

اولین منبع قانونی درآمدهای دولت، انفال، فیء، ثروت‌های طبیعی و خمس بود که در سال دوم هجری با نزول آیاتی از سوره انفال در جریان تقسیم غنایم جنگ بدر تشریح گردید. در سال دوم هجری، قانون زکات با نزول آیه ۱۶۶ سوره توبه بر پیامبر (ص) ابلاغ گردید. ایشان بر اساس این قانون از گندم، جو، خرما، کشمش، گاو، بز، گوسفند، شتر، طلا و نقره

سید احمد اشرفی

آن‌گاه که اموال و املاک بنی نضیر بدون جنگ به تصرف مسلمانان درآمد و به حکم قرآن، اختیار آن به رسول خدا (ص) واگذار گردید، حضرت با تقسیم آن در میان مهاجران و فقرای انصار، سرمایه‌های آنان را برای خودکفایی مهاجران و قطع وابسته‌گی آنان به انصار فراهم نمودند. همچنان ایشان مردم را به احیا و آباد کردن زمین و افزایش کشت محصولات کشاورزی فرا خواندند. چنان‌که فرمودند: « ۱۸ هر که زمین (باپری) را زنده کند، آن زمین از وی است.

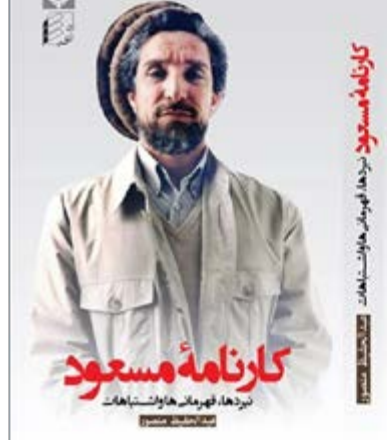
رسول اکرم (ص) به تجارت نیز اهمیت فراوانی قابل شده و برای بهبود عملکرد بازار و رونق بازرگانی، حقوق معاملات مانند حرمت ربا، حرمت احتکار، آزادی فعالیت‌های اقتصادی، لزوم احترام به قراردادهای، حرمت مال مردم، حرمت کم‌فروشی و... را وضع و بر حسن اجرای آن نظارت می‌نمودند. ایشان همچنان بر لزوم رعایت اخلاق تجارت مانند تعاون، انصاف، آسان‌گیری در معاملات، قناعت به سود کم و... تأکید می‌کردند.

و می‌فرمودند: « ۱۹ یعنی: بازرگان راستگوی امانت‌کار، روز قیامت با پیامبران و صدیقان و شهیدان خواهد بود.

و به این ترتیب، پیغمبر اکرم توانست اساسات یک اقتصاد سالم و خودکفا را عملاً پی‌ریزی نماید. با اجرای این سیاست‌ها، ایشان به دنبال این بودند که از فقر و تمرکز سرمایه در دست عده‌ی خاص و محدود جلوگیری کرده و پیشرفت متوازن جامعه را با عدالت توأم سازند.

۲- بسج مشارکت‌های مردمی:

کارنامه مسعود



عبدالحفیظ منصور

ساحه‌یی که امروز به نام پنجشیر یاد می‌شود، در قرن سوم تا پنجم هجری شامل دو شهر «پنجشیر» و «چارپایه» می‌شد. «چارپایه» که اکنون به «چارقریه» موسوم است، در مقدمه حدودالعالم به قلم «بارتولد»، «جریبه» نوشته شده، حال آن‌که در متن آن کتاب به شکل‌های خارپایه، جاریانه و حاریانه ضبط شده است. استخری در آن‌باره می‌نویسد: «چارپایه» کوچک‌تر از پنجشیر است و به هر دو معدن نقره باشد و مردمان در معدن مقام دارند. و چارپایه باغ و بوستان و کشاورزی و هیچ از این معنی ندارد، و رود پنجشیر در میان شهر می‌رود. و رود پنجشیر از چارپایه بگذرد، تا به پروان رسد و به زمین هندوستان رود. (۲۹)

در عجایب المخلوقات محمد بن محمود طوسی نام این ناحیه «کاربع البقر» تحریر یافته که معنی درخور فهمی نمی‌دهد. باید آن را به «اربع قری» اصلاح کرد که معنی‌اش «چارقریه» است. (۳۰)

اولین قریه‌یی که از پنجشیر به سوی چارقریه وجود دارد، قریه «عمرض» است که شاید در گذشته این قریه «مرز» میان دو شهر مذکور بوده باشد. به هر صورت، اکنون مجموع هر دو شهر کهن «پنجشیر» و «چارپایه»، پنجشیر یاد می‌شود.

مبداي پنجشیریان

اکثريت مردم پنجشیر تاجک‌اند و تعداد کمی هم هزاره که در علاقه‌داری دره در قرای جیرعلی، سنگی خان، باهه علی، گلاب خیل و آستانه زنده‌گی می‌کنند.

تاجک‌ها که اکثریت قاطع آن سرزمین را تشکیل می‌دهند، بدین باور اند که حدود هفت صد سال قبل از ده‌بیگ سمرقند به پنجشیر هجرت کرده‌اند.

و در قسمت هزاره‌های مسکون در پنجشیر در «جغرافیای بشری پنجشیر» گفته شده که بقایای لشکر مغول‌اند.

به نظر مولف کتاب مذکور، وقتی چنگیز در کناره دریای سند از دستگیری جلال‌الدین مایوس شد، از طریق کوه‌های صعب‌العبور هندوکش راه سمرقند در پیش گرفت و حین عبور از پنجشیر، عده‌یی از لشکریانش در آن‌جا باقی مانده و در همان‌جا به حیات خود ادامه دادند. (۳۱) اما در واقع هزاره‌های پنجشیر برخلاف گفته «جغرافیای بشری پنجشیر» بسیار بعدتر از چنگیز در پنجشیر مسکن‌گزین شدند. زیرا بسیار دور از عقل است که قوم فاتح مغول در زمان حیات چنگیز جایی را برای زنده‌گی انتخاب کنند که نه از لحاظ اراضی زراعتی دل‌خواه است و نه از حیث صنعت و معادن؛ بلکه دشوارگذرترین مکان در پنجشیر می‌باشد.

درست آن است که هزاره‌های پنجشیر آن‌گاه که مغولان بر قسمت وسیعی از قاره آسیا حکم‌روایی داشتند، در شهر قندهار جای بسیار خوشی را برای خود انتخاب کردند و سال‌ها به این زنده‌گی خود ادامه دادند تا این که احمدشاه ابدالی ایشان را از قندهار بیرون راند و به نقاط دوردستی چون «دره پنجشیر» و «وندقنلدر غوربند» تبعید کرد. جالب آن‌که باشندگان این دو ناحیه برخلاف سایر هزاره‌ها، سنی‌مذهب بوده و هستند کسانی تا هنوز در میان ایشان که نسب‌شان را به یکدیگر می‌رسانند و وحدت‌شان را ثابت می‌سازند. ولی تاجک‌ها، آریایی‌هایی‌اند که در هزاره قبل از میلاد از شمال هندوکش بدین‌جا کوچیده‌اند.

مآخذ:

۱. جغرافیای بشری پنجشیر، تالیف عزیز احمد پنجشیری، چاپ دانشگاه کابل ص ۳
۲. اطلس محلات افغانستان، چاپ اداره مرکزی احصاییه کابل، افغانستان
۳. دایره‌المعارف آریانا، ج ۴
۴. برهان قاطع
۵. برهان قاطع
۶. سفرنامه ابن بطوطه، چاپ تهران، ج ۱، ص ۴۴۴
۷. البلدان، تالیف: احمد بن یعقوب ۲۹۰ هجری، ترجمه دکتر ابراهیم آیتی، چاپ تهران، ص ۶۴
۸. نقل از مقاله یاد پنجشیر در حدودالعالم، نوشته نیلاب رحیمی، منتشره مجله کتاب، کابل
۹. شاهنامه فردوسی
۱۰. به نقل از مقاله یاد پنجشیر در حدودالعالم، نوشته نیلاب رحیمی
۱۱. حدودالعالم، مولف گمنام، صفحات ۶ و ۲۱
۱۲. تاریخ بیهقی، صفحات ۳۰۲ و ۲۴۶
۱۳. افغانستان در پرتو تاریخ، احمد علی کهزاد، صفحات ۵۵ و ۸۵ چاپ کابل
۱۴. تاریخ مختصر افغانستان، پوهاند عبدالحی حبیبی، ص ۴۲
۱۵. شرفنامه حکیم نظامی گنجوی، چاپ تهران
۱۶. ابن بطوطه فی افغانستان (عربی) استاد خلیلی، چاپ بغداد
۱۷. سفرنامه ابن بطوطه، ج ۱ ص ۴۴۴، چاپ تهران
۱۸. ترکستان‌نامه، بارتولد
۱۹. افغانستان در مسیر تاریخ، غلام محمد غبار، ص ۲۶۱
۲۰. مقاله یاد پنجشیر در حدودالعالم، نوشته نیلاب رحیمی
۲۱. فرهنگ سیاسی تاریخی افغانستان (انگلیسی)، اثر آدمک، ج ۶ ص ۶۳
۲۲. افغانستان من الفتح الاسلامی الی الغزوالروسی، دوکتور علی البار، ص ۱۴ چاپ جده
۲۳. سراج‌التواریخ، فیض محمد کاتب، ج ۲ ص ۲۹۵، چاپ کابل
۲۴. المسالک و الممالک، استخری، ص ۲۷۷ طبع لندن
۲۵. صوره الارض، ابن حوقل، ترجمه دکتر جعفر شعار، ص ۱۸۳ طبع تهران
۲۶. سرزمین‌های ممالک خلافت شرقی، استخری، ترجمه محمود عرفان، ص ۳۷۹
۲۷. مقدمه حدودالعالم، به قلم بارتولد، ترجمه میرحسین‌شاه، چاپ دانشگاه کابل، ص ۴۲
۲۸. معجم البلدان، یاقوت حموی، طبع بیروت، ج ۱ ص ۴۸۹
۲۹. المسالک و الممالک، استخری، چاپ لیدن ص ۲۷۷
۳۰. نقل از مقاله یاد پنجشیر در حدودالعالم، نیلاب رحیمی
۳۱. جغرافیای بشری پنجشیر، عزیزاحمد پنجشیری، ص ۱۹ چاپ دانشگاه کابل.



عبدالرشید فکرت بخشی

بخش پنجم

قرآن کریم در آیه ۲۰۶ سوره بقره بیان می‌دارد که دلیل گناهکاری و پندناپذیری حکام و قدرت‌مندان نیز خودبزرگ‌بینی و خودشیفته‌گی است؛ کما این‌که قدرت‌مندان همواره از جایگاه بلندی برخوردار بوده‌اند و هرازگاهی جایگاه‌شان را در خطر ببینند، برای حفظ و تداوم قدرت خویش دست به هر فاجعه‌ی می‌زنند و به اندرزه‌های روشن‌فکران و نیک‌خواهان دینی نیز پشت‌گوش می‌کنند.

خودبزرگ‌بینی توهمی ست ذهنی که آن را می‌توان دست‌کم عامل برخی کج‌رفتاری‌های اجتماعی افراد به حساب آورد. خودبزرگ‌بینی که عمدتاً با ناریسم یا خودشیفته‌گی همراه است، بیشتر توهمی در اندیشه است، درحالی‌که خودشیفته‌گی را باید متعلق احساسات و شورمندی انسان دانست. در این میان، می‌توان هر دو را جمع کرد و از خودشیفته‌گی بزرگ‌بینانه و خودبزرگ‌بینی خودشیفته‌گرا سخن گفت.

به هر روی، هر دو، هم خودبزرگ‌بینی و هم خودشیفته‌گی موضوعاتی در حوزه اخلاق، روان‌شناسی و ... اند، اما جنبه‌های اجتماعی این دو کمتر کاویده شده است. مفاهیمی از این دست، گاهی از فرد به جامعه گام می‌گذارد و تبدیل به ارزشی اجتماعی می‌شود. این در صورتی است که ذهن اجتماعی و روح کلی جامعه‌ی، رفتارهای خودبزرگ‌بینانه و خودشیفته‌محور را مورد پذیرش قرار

داده، زمینه‌های تبارز چنین رفتارهایی را فراهم آورد. این وضعیت را می‌توان در میان افراد و گروه‌های بسیاری مشاهده کرد که مدعی‌اند تاریخ پنج‌هزارساله دارند و به جای تأکید بر حرکت تاریخی زنده، به رویدادهای مرده تاریخی پناه می‌جویند و با نوعی استوریسم یک‌سویه دست به گریبان‌اند. این وضع در عده‌ی دیگر، صورت دیگری می‌یابد؛ کما این‌که برخی‌ها بر جامعیت دینی که بدان معتقد‌اند، پای فشرده و با داشتن آن - بدون آن‌که به شرح و بسط و فهم درست دین، و نیز سایر دست‌آورد‌های بشر در ساحات مختلف عطف توجه داشته باشند - خود را از هر دانش دیگری بی‌نیاز می‌بینند و با این توجیه، روزنه‌ها را بر روی تمامی دست‌آورد‌های دیگران و دیگری می‌بندند و نهایتاً به فقر استغنا گرفتار‌اند.

اینان نه فقط این‌که داشته‌های‌شان را بسنده و کافی می‌دانند، بلکه افزون بر آن، خاستگاه داشته‌های دیگران را نیز داشته‌های خود می‌پندارند. در این میان، کم نیستند اشخاص و افرادی که در جامعه ما به این توهم گرفتار‌اند. مثلاً؛ وقتی سخن از حقوق طبیعی به میان می‌آید، بلافاصله مدعی می‌شوند که دانشمندان غربی آن را از حقوق اسلام گرفته‌اند و یا زمانی که سخنی از کشف اتم برود، منبع آن را نیز دین و دست‌آورد‌های خودی می‌دانند.

شکی نیست که تمدن اسلامی یک از عوامل بزرگ شکل‌گیری تمدن غرب - چنان‌که گوستاولوبون تذکر داده است - است، اما نقش اندیشمندان غربی را در تولید یک چنین تمدنی نباید نادیده انگاشت، بلکه می‌توان به آسانی مدعی شد که بخش بزرگی از دست‌آورد‌های تمدنی غرب، برآیند و برخاسته از تفکر اندیشمندان آن است و نباید

برای هر چیزی در هر کجای دنیا، مصدری از خود ساخت و آن را توجیه کرد. هرچند با نگاهی تاریخی، تحولات به‌وجودآمده در طول زمان درهم‌تنیده، و به‌صورت باواسطه و یا بی‌واسطه در یکدیگر اثرگذار‌اند که حتا تمدن اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نبوده است؛ کما این‌که تمدن غرب را نیز نباید تافته جدا بافته از این قاعده دانست. با این حساب، دین مقدس اسلام را باید یکی از عناصر تشکیل‌دهنده تمدن غربی دانست (بدان‌سانی که اندیشه‌هایی باستان و فلسفه قدیم را می‌توان در ظهور تمدن اسلامی دارای نقش دانست) نه همه عناصر و شرط کافی برای ظهور تمدن جدید غربی؛ و این قضاوتی محققانه خواهد بود.

دین و خردورزی

خردورزی را ایدئولوژی زنده‌ماند گفته‌اند که سایه‌اش را بر تمام ساحات زنده‌گی بشر گسترانده است و ارزش آن نیز چشم‌پوشیدنی نیست؛ اما مدعیان خردورزی - که ظاهراً همان مدعیان روشن‌فکری‌اند - همواره آن را ملازم دین‌زدایی گرفته‌اند. انگار خرد آمده است تا در مسند دین تکیه بزند و کار خدای بکند، ناآگاه از این‌که، هر یک از دین و عقل در جوار هم خوابیده‌اند و هدایت‌گر یکدیگر‌اند. اساساً دینی در غیاب عقل وجود ندارد و معنایی را بر نمی‌تابد، بلکه عقل‌مندی را باید مدار تکالیف دینی به شمار آورد و میان دین و عقل علی‌رغم تفکیک ذاتی آن‌ها می‌توان وجوه اشتراک بسیاری در مقام تحقق و اثبات نشانه‌دهی کرد.

جالب‌تر از همه این‌که، قرآن کریم پیوسته به عقل‌ورزی و تعقل فرا می‌خواند تا به عقل‌مندی و عاقل بودن؛ انگار عقل‌مندی که وضعیتی ست ثابت و ایستا، به ذات خود مایه هدایت و رستگاری نیست، بلکه فعال کردن عقل یا به تعبیر دیگر، خردورزی را باید رویشگاه هدایت و خداشناسی دانست؛ کما این‌که هیچ تحولی در غیاب عقل وجود نمی‌یابد و هیچ روشنگاری بی‌حضور عقل گشوده نخواهد شد.

با این حساب، خطاست اگر خردورزی را - که قرآن کریم این‌همه بر آن تأکید دارد - در برابر وحی تفسیر کنیم و با غفلت‌ورزی از ناتوانی‌ها و حصارهای درهم پیچنده عقل، بر توانش بی‌حدوحصر آن اصرار بورزیم و عقل را گره‌گشای همه‌چیز بدانیم. مگر وضعیت عقلانیت مدرن را همه نخوانده‌ایم که چگونه پژوهش‌های روانکاوانه فروید در باب ضمیرناخودآگاه و دیدگاه‌های جامعه‌شناسانه مارکس بر پیکر توانایی‌های عقل ضربه زد و عقل را به خوداندیشی واداشت؟ مگر تکرار تجربه تاریخی غرب برای روشن‌فکران ما الزامی است؟ چرا باید عقلانیت عاطفه‌ستیز و انحصارگر طردشده از صحنه زنده‌گی را یکبار دیگر به جنگ با دین فراخوانیم و تجربه اشتباه تاریخی دیگران را عمداً تکرار نماییم؟ به‌ویژه این‌که یک‌چنین روی‌کردی جز الیناسیون، پوچی، جمع‌گریزی، بی‌خانمانی، بحران معنا و به میدان کشیدن سحیبه‌ها و رفتارهای اپیکوری، سودمحور، انسان‌برانداز و ... پیامد خرسندکننده دیگری در باب مناسبات اجتماعی انسان‌ها نداشته است و با همه دست‌آورد‌هایش در کشف روابط پدیده‌های طبیعی و کشف حقایق طبیعت، در تنظیم روابط

روشن‌فکری

دینی

و چالش‌های

فراراه

دین‌ستیزان هم‌نسل ما، ستیزشی آگاهانه و محققانه با دین ندارند و با آن‌همه ادعاهای هایدگرشناسی، و هگل‌شناسی و آلبرکاموفهمی و فرانکفورت‌گرایی و چی و چی...، حتا توان خواندن آیه‌ی از قرآن را ندارند. با این وصف، در نقد بر قرآن و دین از هر فرنگی‌بی‌فرنگی‌ترند و از هیچ حمله‌ی فروگذار نمی‌کنند. آنان با وجود ادعاهای پر و پا قرص، بیش از تحقیق با تقلید به نفی دین به میدان آمده‌اند و آبشخور فکرهای آنان را باید در اندیشه‌های چند فیلسوف نهیلیست و جنون‌زده غربی سراغ کرد که سال‌ها پیش از ما گذشته‌اند و حتا در کشورهای خودشان نیز جای پای ندارند. آنان جز به اندیشه‌های فیلسوفان و نویسندگان خداناباور و پوچ‌انگاری چون برتراند راسل، آلبرکامو، نیچه، فوئرباخ، سارتر، صادق هدایت و...، به چیز دیگری دل‌چسپی ندارند و حتا چهره واقعی یک‌عده فیلسوف‌ها را با پیش‌فرض‌های وارونه خویش، وارونه می‌کنند. اینان یک بار هم به دیدگاه اندیشمندان خداناباوری چون سقراط، اگزیوفان، فلوطین، الکندی، ابوعلی، غزالی، سهروردی، دکارت، اسپینوزا، پاسکال، لابنتیس، مالبرانش، کی‌ریک‌گارد، پلانینجا، استن و... روی نکرده‌اند تا دلایل آنان را نیز در این زمینه بشنوند و بعداً در روشنایی به داوری بپردازند.

آن‌چه گفته شد، واقعیتی است آفتابی و روشن، و نباید آن را نوعی برخورد بدبینانه با وضعیت جاری حساب کرد. روشن‌فکری در تمامی انواع آن ملازم دین‌ستیزی و خداناباوری قرار گرفته است و پرچم‌به‌دوشان این روند، روشن‌فکری را در تاریکی‌های ناروشن فکر اسیر کرده‌اند. آنان نمی‌گذارند روشن‌فکری از حبس رها گردد و در فضایی آزاد و روشن نفس بکشد.

روزگار عجیبی است! عبور از حدود ارزش‌ها را روشن‌گری می‌خوانند و قلم زدن علیه دین را آزاداندیشی. از قضا گردون نیز به کام آنان می‌چرخد و فضا وفق مرادشان است. در این میان، تأسف‌بارتر این‌که، چیزفهم‌های دینی ما نیز کارد دست دشمن می‌دهند و به‌جای ریشه‌یابی و آسیب‌شناسی جریان دین‌گریز و حتا دین‌ستیز نسل هم‌روزگار ما، به مصاف علمای دینی می‌شتابند و زمین را برای پوچ‌اندیشان و خداناباوران پهن تر می‌کنند. این وضع جاری است و واقعیتی انکارنشدنی. آن‌سوتر از این، در مسجد، در نهادهای دینی، حسینیه‌ها و...، جو دیگری حاکم است، هوا خشک و دلگیر است، سر در گلیم بودن،

همایون پاییز به نقل از جلال آل احمد، در فصل‌نامه عملی - فرهنگی امو، شماره‌های ۲، ۳، ۴، ۱۳۸۰ هـ.ش، ص ۱۶، (تاجکستان - انستیتوت شرق‌شناسی و میراث خطی اکادمی علوم جمهوری تاجکستان) ص ۱۶

گفت‌وگوی ریش و نکتایی، اوج گفت‌مان‌های دینی است، انگار هیچ تهدیدی متوجه دین نیست و مشکل دین سراپا حل است مگر مسأله آمن به جهر، رفع یدین، حکم نکتایی و... که باید برای آن راه‌حلی جست‌وجو کرد و مجوزی یافت.

اجتماعی و معناده‌ی به حیات بشر درمانده است. اساساً مخاطب پیامبران و پیام آن‌ها، عقول بشر است. اگر عقل را از صحنه برداریم، دین فاقد محل و مخاطب خواهد بود. این درحالی است که دین برای هدایت بشر فرود آمده است و عاقل بودن بشر ظرفی است که آگاهی، اختیار و تکلیف در کنار هم در آن جای می‌گیرند. انسان همواره می‌اندیشد و نمی‌تواند نیندیشد. اندیشیدن لازمه هستی و فطرت انسان است که هیچ مانعی نمی‌تواند سد راه آن شود. بنابراین، خطا است اگر بینگاریم که دین آمده است تا برخلاف فطرت انسانی ما، ما را از اندیشیدن باز دارد و در برابر اندیشه قرار گیرد.

از سویی هم، عقل خود یکی از آفریده‌های خداوند، بلکه اولین آفریده اوست. خدایی که با زبان وحی سخن گفته است، در صفحه آفرینش نیز حضور دارد و عقل آفریده خداوند را نمی‌توان در برابر وحی راستین او تعالی قرار داد. اعتقاد به این‌که، کاینات از مبدای نخستین صدور یافته است و در نهایت به آن باز خواهد گشت، ملازم نوعی توحید در انسان‌شناسی، جهان‌شناسی، هستی‌شناسی و غایت‌شناسی است و اشیا با همه ناهمگونی‌های‌شان، وحدت می‌یابند و تعارض‌هایی که با مکاتب مختلف فکری - فلسفی این‌همه فربه شده‌اند، کمرنگ و غیرقابل دید می‌گردند.

دوستی گفت که یکی از جوانان متأثر از سروش با مولوی مسجدی به گفت‌گو می‌پردازد و از امام مسجد در مورد قبض و بسط تیوریک شریعت می‌پرسد. مولوی مسجد که چیزی از نظریه قبض و بسط نمی‌داند، از وی می‌خواهد تا سوره الحمد را ترجمه کند اما او از این کار عاجز است. عالم سستی ما، چیزی از قبض و بسط شریعت نمی‌فهمد و مدعی روشن‌فکری، ترجمه فاتحه را یاد ندارد. این دو نشان می‌دهد که شکاف عمیقی میان سنت‌گرایان دینی و مدعیان نوگرایی دینی وجود دارد. اساساً هر یک از جهانی سخن می‌گوید که برای دیگری نامفهوم و خوانا نیست. کار روشن‌فکر دینی، در هم‌نشین کردن مفاهیم جدید با آموزه‌ها و ارزش‌های دینی، کار بزرگی است و در حقیقت «حوزه‌های اعمال قدرت خالی از اندیشه»، همان زادگاه اصلی روشن‌فکر خودی است.

روشن‌فکری و بی‌ارزشی
در سرزمینی که ما زنده‌گی می‌کنیم، فقر فکری - فرهنگی بیش از هر چیز دیگری آزاردهنده و هراس‌انگیز است. این‌جا فکری تولید نمی‌شود و اندیشه‌ی بی‌ظهور نمی‌رسد و شمار نویسندگان واقعی این جغرافیای تقریباً سی میلیونی، از شمار انگشتان هم فراتر نمی‌رود؛ اما اسامی مدعیان نویسنده‌گی و اندیشه‌وری بر دوش کتاب‌های چندصدورقی نیز سنگینی می‌کند. وضعیت روشن‌فکرانما نیز چیزی از تناقض‌گویی، پوچی‌گری، غرب‌مشری، ناواقع‌گرایی، بی‌ثباتی، ریاکاری، اباحی‌گری، اخلاق‌گریزی و معنویت‌ستیزی و... کم ندارد. این‌جا کار به جایی کشیده است که کافرکشی و دین‌ستیزی را باید اکت روشن‌فکری به حساب آورد و روشن‌فکری هم نه در فکر، بل در صورت‌های روشن‌فکرمانه تبلور می‌یابد. اکثریت



اداره امنیت ملی افغانستان:

اوضاع بدتر می شود

رییس عمومی امنیت ملی افغانستان می گوید که وضعیت امنیتی در شش ماه آینده بدتر از پیش خواهد شد.

مجلس نماینده گان، روز گذشته (یکشنبه، ۶ سرطان) جنرال نورالحق علومی وزیر داخله، رحمت الله نبیل رییس عمومی امنیت ملی و جنرال افضل امان رییس اوپراسیون وزارت دفاع ملی را به منظور بررسی اوضاع امنیتی کشور فراخوانده بود.

چگونه گی حمله هفته گذشته بر پارلمان، افزایش ناامنی ها و سقوط برخی ولسوالی ها در شمال و شرق کشور، چگونه گی تدابیر و ایجاد هماهنگی میان نیروهای امنیتی در مبارزه با تهدیدات و تفرقه های جدید در وزارت داخله و ریاست امنیت ملی از دلایلی بود که پای مقام های امنیتی را به مجلس کشاند.

نورالحق علومی وزیر امور داخله گفت: «حملات مخالفین به خاطر به چالش کشیدن حکومت جدید وحدت ملی تشدید یافته است؛ اما نیروهای امنیتی با طرح پلان های سنجدیده شده دشمن را سرکوب کرده اند».

آقای علومی با اشاره به سقوط برخی ولسوالی ها در قندوز، بدخشان و نورستان به دست طالبان اطمینان داد که دشمن هیچ گونه امکاناتی ندارد که یک ولایت را سقوط دهد.

علومی سطح هماهنگی میان مقام های بلند پایه امنیتی را خویتر از هر زمان دیگر توصیف کرد؛ اما گفت که در سطح محلی مشکلات موجود است و «بعضاً، منسوبین پوسته ها را به دشمن تسلیم می کنند» در حالی که سربازان چنین نیستند و این مساله هم

متأسفانه بیشتر در چوکات ارتش ملی وجود دارد. آقای علومی در خصوص تفرقه های جدید در وزارت داخله بیان داشت: در تفرقه ها، شایسته سالاری در نظر گرفته شده است؛ به تازه گی ۱۳ نفر مقرر شده که ۸ نفر آن مجاهد است و در این مورد از اصول خارج نشده ایم.

وزیر داخله در خصوص توزیع شناسنامه های برقی خاطر نشان کرد که هیچ مشکل قانونی در زمینه وجود ندارد و فقط منتظر هدایت نهایی رییس جمهور است.

او تفرقه خویشاوندان برخی مقام های وزارت داخله و بی عدالتی در روند استخدام پروژه توزیع شناسنامه های برقی را پذیرفت؛ اما تأکید ورزید که بررسی ها در زمینه ادامه دارد و پرونده های افراد سودجو به دادستانی فرستاده خواهد شد تا عدالت تطبیق گردد.

در این حال، رحمت الله نبیل رییس عمومی امنیت ملی گفت که در ماه های بعدی، مشکلات امنیتی افغانستان از این هم بیشتر می شود که نیازمند اتحاد قوی مردم افغانستان است و نیروهای امنیتی نیز آماده گی های لازم را اتخاذ کرده اند.

آقای نبیل افزود: « شش ماه باقی مانده سال ۲۰۱۵، سال بقای همه ما و شماس است».

اجرای عملیات های ویژه و جلب حمایت مردم از نیروهای امنیتی، آماده گی هایی است که آقای نبیل از آن یاد کرد.

رییس امنیت ملی در خصوص حمله بر پارلمان گفت: «تاهنوز ۶ حمله بالای پارلمان برنامه ریزی شده که ۵ تای آن از سوی امنیت ملی پیش از وقوع مهار گردید».

بازی کلان و مشکل...

تحركات منطقه و فرمانطقه از جمله مولفه های می باشند که فقط در محور یک بازی جدید قابل جمع می باشند.

هرچند در ماهیت و اهداف این پروژه کلان فرقی نیست، اما در مرحله تطبیق، نقش مدیریتی آن در افغانستان دچار چالش ها و موانع کلان می باشد، چون حکومت آسیب پذیر است و فاقد توانمندی مدیریت اوضاع، کما این که بتواند با ایجاد یک مرجعیت ملی نقش خود را در تثبیت جایگاه افغانستان و در راستای منافع کشور، روشن و برجسته سازد.

مشکل رهبری و مدیریت، مشکل آجنداهای مختلف درون دولت، مشکل انحصار و تمرکزگرایی و عدم توازن قدرت، مشکل مخفی کاری ها و بی اعتمادی ها بخشی از مشکلات حکومت و به همین منوال موانع جدی فراروی این پروژه کلان پنداشته می شوند. رویه مرفته این تنها مانع نیست، بلکه فکتورهای جدی تر وضعیت رو به رکود زنده گی معیشتی مردم، دوری موقعیت توده های مجاهدین و نخبه گان ملی گرا و پتانسیل عکس العمل کشورهای منطقه، بخش عمیق تر چالش ها به شمار می روند.

این همه مشکلات، موانع و چالش ها فقط یک راه دارد، ایجاد توازن قدرت در نظام سیاسی، در هر دو بعد ساختاری و سطح رهبری و مدیریت در تشکیل دولت نیرومند ملی در قدم نخست، در غیر آن پروژه ها فقط مصرف داخلی خواهند داشت و در همین جغرافیا دفن خواهند شد.

پایان تراژیک پروژه کلان شوروی سابق در رسیدن به آب های گرم را با رهبری و مدیریت و نظام سیاسی وقت در جغرافیای همین سرزمین همه شاهد بودیم. فقط در فاصله کوتاه سه دهه قبل، روس های زمین گیر شدند، جنگ سرد پایان یافت و اما تراژیدی افغانستان تاهنوز ادامه دارد.

این بار بنابر تفاوت های زمانی اگر تجدید نظر صورت نگیرد، ظهور قدرت های محلی و ایجاد جغرافیای مراکز قدرت، امر اجتناب ناپذیر خواهد گردید و آرزوی رسیدن به دولت- ملت و دولت ملی را از ریشه بر خواهد کند.

برگرفته از صفحه فیسبوک احمدولی مسعود

۲۲ والی تعیین شده...

حرکت های مدنی و اعتراضی نسبت به والیان جدید ولایت های بامیان و دایکندی جریان دارد.

روز گذشته ولایت دایکندی شاهد راهپیمایی بزرگ اعتراضی بود؛ در بامیان هم خیمه تحصن برپا گردیده که دلیل این اعتراضات تضادهای سیاسی میان مخالفان و موافقان خوانده می شود.

به گفته آقای پوپل، تاکنون ۲۲ والی تعیین شده، مکتوب ۴ والی برای منظوری آماده شده و تا صد روز آینده ۸ والی دیگر مقرر خواهد شد.

همچنین آقای پوپل ضعف حکومتداری محلی را از ناکامی سیزده سال اداره ارگان های محلی عنوان کرده و دولت و جامعه جهانی را به کم توجهی به وضعیت حکومتداری محلی متهم کرد.

وی گفت: دشمن از ناکامی های سیزده سال گذشته سوءاستفاده کرده و حالا توانسته است ولایات امن را به ناامن تبدیل کند.

آقای پوپل مداخلات کشورهای خارجی، فقر اجتماعی، ضعف حکومتداری و عدم توجه دولت مرکزی به حکومت داری محلی را از عواملی خواند که باعث جنگ در ولایات کشور شده است.

وی از افزایش حملات بالای ولسوال ها خبر داده و گفت: از زمانی که به حیث رییس ارگان های محلی تعیین شده؛ ۴ ولسوال کشته شده است.

رییس عمومی اداره مستقل ارگان های محلی، برنامه صد روز آینده خود را در ۹ بخش پیشنهادات قوانین، پالیسی اداره محلی، برنامه های موثر برای حکومتداری محلی، وضاحت در وظایف اساسی، ماموریت و ساختار تشکیلاتی این اداره، استخدام والی ها و ولسوال ها، شهرداری ها و شوراهای ولایتی فشرده کرده بود.

پاکستان از حرف تا عمل

احمد عمران

در حالی که با گذشت هر روز، ابعاد تازه تری از حمله به پارلمان کشور برملا می شود، وزیر داخله افغانستان تصمیم گرفته است برای گفت و گو با مقام های نظامی پاکستان به این کشور سفر کند.

بر اساس برخی گزارش ها، حمله هفته گذشته به پارلمان کشور، از سوی شبکه حقانی و به دستور یک عضو آی اس آی پاکستان انجام شده است.

در همین حال، در هفته های اخیر، گراف نامنی ها به صورت کم سابقه یی سیر صعودی یافته و سقوط ولسوالی ها به دست گروه طالبان نیز نگاه ها را به سمت خود کشانده است.

در شمال کشور، حزب جمعیت و جنبش اسلامی در یک اتحاد کم سابقه برنامه یی را روی دست گرفته اند که بتوانند جلو گسترش نفوذ شورشیان به ولایات شمالی را بگیرند. استاد عطا محمد نور سرپرست ولایت بلخ که از مدت ها پیش خطر افزایش تهدیدهای امنیتی را گوش زد کرده بود، خود لباس رزم پوشیده و در برابر دشمنان سینه سپر کرده است.

در کنار او، جنرال دوستم معاون اول ریاست جمهوری که تجربه طولانی جنگ با گروه های هراس افکن را دارد، به افرادش دستور داده که یک جا با نیروهای استاد عطا مانع گسترش مخالفان مسلح به مناطق شمالی کشور شوند.

شورشیان در حالی حملات خود را به کمک استخبارات و نظامیان پاکستان افزایش داده اند که مقام های کشور همچنان به تلاش های خود برای متقاعد کردن این کشور به هدف کمک به روند صلح ادامه می دهند. سفر وزیر داخله کشور به پاکستان، در مقطع کنونی می تواند سوال برانگیز باشد.

نورالحق علومی که آماده سفر به پاکستان می شود، خود با هزار و یک جنجال داخلی روبه رو است. در مجلس نماینده گان طرحی وجود دارد که بر اساس آن، وزیر داخله مورد استیضاح قرار داده شود. برخی نماینده گان نسبت به صلاحیت های وزیر داخله در امر تأمین امنیت تردید نشان می دهند. در روز سه شنبه هفته گذشته، یعنی یک روز پس از حمله به پارلمان،

در نشست اضطراری مجلس نماینده گان، شماری به شدت کارنامه وزیر داخله را مورد انتقاد قرار دادند و خواهان رد صلاحیت او شدند.

شاید در عقب این تصمیم، دست هایی از خارج پنهان باشد؛ ولی عمل کرد وزارت داخله در مهار ناامنی ها نیز چندان موفقیت آمیز نبوده است. وزیر جدید داخله که همراه با امیدهای تازه وارد این وزارت شد، نتوانست به توقعاتی که از او برای ایجاد اصلاحات و تأمین امنیت شهرها و ولسوالی های کشور می رفت، پاسخ رضایت بخش دهد.

در ماه های اخیر، میزان ناامنی ها به گونه خطرناکی افزایش یافته است. هر آن بیم آن می رود که با سقوط برخی شهرها، مخالفان مسلح بتوانند جایگاه مستحکم تری برای مقابله با نیروهای امنیتی پیدا کنند.

در چنین اوضاع و احوال نگران کننده یی، وزیر داخله بار سفر به کشور پاکستان بسته است؛ همان کشوری که هنوز در مورد صداقتش در مبارزه مشترک با هراس افکنی تردید وجود دارد.

اگر پاکستانی ها عزم مبارزه با هراس افکنی را داشتند و یا صادقانه می خواستند طالبان را به میز مذاکره بکشانند، تا به حال این کارها را کرده بودند. اگر پاکستانی ها به خواهش و تقاضا گوش می دادند، تا به حال به خواست های رییس جمهوری و رییس اجرایی گوش داده بودند. فراموش نکنیم که رییس جمهوری در یک نامه که دو ماه پیش عنوانی مقام های پاکستانی فرستاد، تقاضاهای مشخصی را از این کشور برای تأمین صلح در افغانستان مطرح کرد.

اشراف غنی رییس جمهوری افغانستان در نامه خود به سران پاکستان، ضرب الاجل بیست روزه یی را مشخص کرده بود که اگر ظرف این مدت، مقام های پاکستانی گام های عملی برای تأمین صلح بردارند، آن گاه دولت افغانستان به گزینه های دیگری رجوع خواهد کرد.

آیا فرستادن وزیر داخله به پاکستان، گزینه دیگر دولت افغانستان به هدف تکرار تقاضاهای قبلی است؟ وقتی حرف و تقاضای رییس جمهوری هیچ نتیجه یی در قبال نداشته باشد، سفر وزیر داخله چه

نتیجه یی در پی خواهد داشت؟!... سفرهایی از این دست که از پایگاه ضعف صورت می گیرد، مسلماً نتایج معکوس به دنبال می آورد.

آقای غنی با ضرب الاجل بدون پیگردی که برای دولت پاکستان تعیین کرد، عملاً خود را در وضعیت نامساعد قرار داد. نامه و ضرب الاجل آقای غنی زمانی ارزش داشت که به دنبال بی توجهی مقام های پاکستانی، گزینه های سخت تر و شدیدتری به اجرا گذاشته می شد. همین حالا برخی از ولسوالی های کشور در آستانه سقوط به دست مخالفان قرار دارد.

وضعیت امنیتی در شمال کشور هر روز وخیم تر می شود. حملات انتحاری و مرگبار طالبان ابعاد تازه کسب کرده است. این ها هیچ کدام بدون پیوند با سیاست های منطقه یی پاکستان صورت نمی گیرد.

پاکستان هرچند در اوایل ایجاد دولت جدید، وعده هایی برای جلب رضایت دولت مردان کشور به هدف گرم شدن دوباره روابطش با افغانستان برداشت؛ اما این وعده ها هرگز از محدوده حرف فراتر نرفته اند. پاکستان در عمل همان سیاست هایی را دنبال می کند که پیش از این در زمان دولت پیشین در قبال افغانستان داشت. دید و بازدید و سفر به این کشور در حالی که دامنه ناامنی ها هر روز گسترش می یابد، فقط می تواند خطای دیپلماتیک تعبیر شود و بس.

پاکستانی ها سیاست سرگرم سازی افغانستان را به خوبی یاد دارند و از همین ترغند در حال حاضر سود می برند. هیچ امیدی نسبت به همکاری پاکستان در زمینه تأمین صلح و جلوگیری از ناامنی ها وجود ندارد و به همین دلیل، دولت افغانستان باید از گزینه های لازم برای تأمین امنیت کشور استفاده کند. تهدید و هشدار، راه به جایی نمی برد. پاکستان خوب می داند که نقاط ضعف دولت افغانستان کجاست و چه گونه می تواند بر این کشور تأثیر بگذارد.

پاکستانی ها تا به حال پیروز میدان افغانستان بوده اند و اگر تغییری در سیاست های دولت افغانستان در قبال پاکستان به وجود نیاید، بدون شک وضع از این هم بدتر خواهد شد!



توران به درهای خروجی ویسنته کالدرون نزدیک شد

ژاوی:

مسی و اینیستا رکوردهایم را می شکند



کاپیتان پیشین بارسلونا اعلام کرد لیونل مسی و آندرس اینیستا به زودی رکوردهای او را می شکند.

تابستان سال گذشته بود که ژاوی هراندیس تصمیم به ترک بارسلونا گرفت. پس از آن لویس انریکه، سرمربی کاتالان‌ها شد و ژاوی را متقاعد کرد تا یک فصل دیگر هم در این تیم بماند. ژاوی ماندگار شد و در فصلی که گذشت موفق شد به همراه بارسلونا سه گانه‌ای رویایی را کسب کند.

در پایان فصل ژاوی پس از ۲۴ سال به دوران حضورش در بارسلونا پایان داد و راهی السد قطر شد تا سه سال آینده را در این کشور بگذراند. این بازیکن ۳۵ ساله از این که یک سال دیگر در بارسلونا مانده بود ابراز رضایت و تاکید کرد پس از فتح سه گانه زمان مناسبی برای خداحافظی از بارسلونا بوده است.

او در این باره گفت: تصور کنید سال گذشته از بارسلونا می‌رفتم. هیچ جامی کسب نکرده بودیم. وقتی بارسلونا هیچ جامی نگرفته است، باید از دست ۱۰ بازیکن خلاص می‌شد. همه عصبانی بودند. تصور کنید من هم از آن هواداران عصبانی و ناراحت خداحافظی می‌کردم. اکنون اما همه چیز فرق می‌کند. همه خوشحال هستند. یک هفته پیش از پایان رقابت‌های لیگ موفق شدیم قهرمانی مان را جشن بگیریم. خیلی خوشحالم که یک سال بیشتر در بارسلونا ماندم. آندونی زوبی‌زارتا، مدیر ورزشی وقت بارسلونا به همراه لویس انریکه و جوزپ ماریا بارتومئو، رییس باشگاه مرا متقاعد به ماندن کردند. واضح بود که باید بارسلونا را ترک می‌کردم. من هم سرسختانه به دنبال خروج از باشگاه بودم اما آنها در دو یا سه نشست مرا متقاعد به ماندن کردند. اکنون هم به خاطر ماندنم خیلی خوشحالم.

ژاوی که بیشترین تعداد بازی در ترکیب بارسلونا را دارد و بیشترین جام را با این تیم کسب کرده بر این باور است که آندرس اینیستا و لیونل مسی خیلی زود می‌توانند رکوردهای او را بشکنند. ژاوی در این مورد گفت: می‌دانم که خیلی زود رکوردهایم شکسته می‌شوند. شاید اینیستا و مسی این کار را انجام دهند. آنها فقط یک جام کمتر از من گرفته‌اند و در فصل پیش رو می‌توانند به رکورد من برسند.

بازیکنان اتلتیکومادرید اتخاذ کرده است، به مذاق آردا توران خوش نمی‌آید و او خواهان ترک روخی بلانکوست. سیمونه از آن دسته مربیانی است که به تمرینات فشرده و سختگیرانه برای افزایش شانس نتیجه‌گیری تیمش اعتقاد دارد و این سبک کاری او توران را تحت فشار قرار داده است.

توران هنوز به طور رسمی به تمایل خود برای ترک اتلتیکومادرید اشاره‌ای نداشته است اما برای خروج او از ویسنته کالدرون دو دلیل وجود دارد. اول سختگیری سیمونه و سیستم بازی اتلتیکومادرید و دوم افزایش درآمدش است که با پیوستن به سایر تیم‌ها حاصل می‌شود.

اتلتیکومادرید از توران خواسته دقیقاً آنچه را که می‌خواهد، مشخص کند نه اینکه به پیشنهادات مدیر برنامه‌هایش گوش کند. احمد بولوت، مدیر برنامه‌های توران هفته گذشته گفت که این بازیکن ترکیه‌ای از وضعیتش در اتلتیکومادرید ناراحت است و می‌خواهد این تیم را ترک کند.

توران در تماسی که با مدیران باشگاه داشته است از آنها به خاطر اظهارات بولوت عذرخواهی و در عین حال به تمایل خود برای جدایی از اتلتیکو اعتراف کرده است. او به آنها گفته است که به جای پاسخ دادن به خواسته‌های سخت سیمونه برای ارائه بازی‌های فیزیکی و جنگنده، ترجیح می‌دهد در تیمی بازی کند که او را از شرکت در کارهای دفاعی معاف کند.

آردا توران به خاطر مصدومیت‌های جزئی که داشت، چندین بازی بزرگ اتلتیکومادرید را در یکی دو فصل گذشته از دست داد و خودش فکر می‌کند که دلیل این مصدومیت‌های گاه‌وبیگاه، سختگیری‌های سیمونه است.

اتلتیکومادرید شروطنی که با محقق شدن آنها توران می‌تواند ویسنته کالدرون را ترک کند به او گفته است که یکی از آنها پرداخت ۴۱ میلیون یورو فسخ قراردادش است و این بدان معناست که فقط چند تیم بزرگ از عهده خرید او برمی‌آیند.



هافبک ترکیه‌ای اتلتیکومادرید از وضعیت خود در این تیم راضی نیست و هوای رفتن از جمع شاگردان دیه‌گو سیمونه را در سر دارد. به گزارش نشریه مارکا، تاکتیک‌ها و شیوه‌ای که دیه‌گو سیمونه برای تمرین دادن به

فردیناند:

راموس از یونایتد استفاده می‌کند تا قراردادش را تمدید کند



با منچستریونایتد شنیده شده است. فردیناند در این مورد هم گفت: وقتی برای یونایتد بازی می‌کردم، همواره در فصل نقل‌وانتقال‌ها شایعه‌های زیادی در اطراف باشگاه وجود داشت. بارها گفته بودند شواین اشتایگر منچستریونایتد را دوست دارد و می‌خواهد به این تیم بیاورد اما پس از آن قراردادش را با بایرن‌مونخ تمدید می‌کرد. درست همین احساس را نسبت به قرارداد راموس با یونایتد دارم. خیلی وقت‌ها برخی از بازیکنان دوست دارند در تیمی که دارند بمانند اما برای این کار از باشگاه‌های دیگر استفاده می‌کنند. شواین اشتایگر درست همانند رایان گیگز برای منچستریونایتد و استیون جرارد برای لیورپول است. بدون شک او دوست دارد فوتبالش را در بایرن تمام کند.

کاپیتان پیشین منچستریونایتد تاکید کرد سرخیو راموس در حال استفاده از نام شیاطین سرخ برای تمدید قراردادش با رئال مادرید است.

در هفته‌های اخیر صحبت‌های زیادی در مورد ناراضی سرخیو راموس از شرایطش در رئال مادرید به گوش رسیده است. با توجه به علاقه‌هایی که سران رئال برای امضای قرارداد با داوید دخیا، دروازه‌بان اسپانیایی منچستریونایتد دارند، سران این تیم انگلیسی از فرصت پیش آمده استفاده کردند تا بتوانند راموس را در ازای بخشی از قرارداد انتقال دخیا به رئال، به منچستریونایتد ببرند.

گمانه‌زنی‌ها همچنان در این زمینه ادامه دارد. نه سران باشگاه‌های رئال مادرید و منچستریونایتد و نه سرخیو راموس و داوید دخیا هیچ اظهارنظری در این زمینه انجام ندادند تا همه چیز مبهم باقی بماند. مساله‌ای که مشخص شده این است که راموس از این که سران باشگاه رئال مادرید علاقه‌ای برای تمدید قرارداد او نشان نداده و خبرهای انتقال او به بارسلونا را به شکل رسمی تکذیب نکرده‌اند، رنجیده خاطر شده است و می‌خواهد رئال را ترک کند.

ریو فردیناند که در پایان فصل گذشته برای همیشه کفش‌هایش را آویخت و از دنیای فوتبال کناره‌گیری کرد، اظهار نظر جالب توجهی

در مورد شرایط سرخیو راموس داشته است. او در این مورد گفت: انتقال راموس به منچستریونایتد؟ به هیچ وجه این انتقال انجام نخواهد شد. او به یونایتد نخواهد آمد. راموس در رئال مادرید می‌ماند. فکر می‌کنم خیلی زود هم قرارداد جدیدی را با رئال امضا می‌کند. بدون شک مدیر برنامه‌های او با راه انداختن این شایعه‌ها قصد دارد فقط مبلغ قراردادی که راموس با رئال مادرید می‌بندد را افزایش دهد. او بدون شک به دنبال تمدید قرارداد است. باستین شواین اشتایگر، کاپیتان بایرن‌مونخ نیز دیگر بازیکنی است که نامش در ارتباط

مسی:

خیلی بد است که در تیم ملی گل نمی‌زنم

مسی در نیمه نخست دیدار با کلمبیا فرصت خوبی برای گلزنی داشت. داوید اوسپینا، دروازه‌بان کلمبیا ضربه نخست سرخیو آگوئرو را دفع کرد تا توپ به مسی برسد. کاپیتان آرژانتین این فرصت را داشت که با ضربه سر دروازه حریف را باز کند اما اوسپینا با عملکردی عالی توانست ضربه سر مسی را نیز در شرایطی نامتعادل دفع کند.

بود. این خیلی بد است که در تیم ملی نمی‌توانم راحت گل بزنم. در رویارویی با کلمبیا دو فرصت عالی گلزنی داشتم و نتوانستم هیچ یک از آنها را وارد دروازه حریف کنم. البته مهم این است که بازی خوبی را ارائه کردیم و راهی مرحله بعد شدیم. درست است که در ضربه‌های پنالتی موفق به غلبه بر کلمبیا شدیم ولی شایسته رسیدن به نیمه نهایی بودیم.

در پی نداشتن و بازی به پنالتی رفت. شاگردان خرابدو مارتینو در ضربه‌های پنالتی با نتیجه پنج بر چهار به برتری رسیدند تا راهی نیمه‌نهایی شوند و منتظر برنده دیدار تیم‌های ملی فوتبال برزیل و پاراگوئه بمانند. لیونل مسی در مورد دیدار با کلمبیا گفت: این بهترین نمایش آرژانتین در رقابت‌های کوپا آمریکا امسال

کاپیتان تیم ملی فوتبال آرژانتین تاکید کرد از این که در تیم ملی کشورش نمی‌تواند به راحتی گل بزند، ناراحت است. آلی‌سلسته در دیدار مرحله یک چهارم نهایی کوپا آمریکا توانست در ضربه‌های پنالتی از پس کلمبیا برآید و به مرحله نیمه‌نهایی صعود کند. رویارویی آرژانتین و کلمبیا در ۹۰ دقیقه وقت قانونی گلی



امضای توافق نامه تاریخی میان واتیکان و فلسطین و انتقاد رژیم صهیونیستی



واتیکان و «کشور فلسطین» توافق نامه ای تاریخی را درخصوص حقوق کلیسای کاتولیک در اراضی فلسطین امضا کردند. به گزارش شبکه خبری اسکای نیوز عربی، این نخستین توافق نامه ای است که از زمان به رسمیت شناختن «کشور فلسطین» از سوی واتیکان در فبروری ۲۰۱۳ بین دو طرف امضا می‌شود. فلسطین و واتیکان ماه گذشته میلادی با امضای این توافق نامه موافقت کردند؛ اقدامی که موجب خشم و ناراحتی اسرائیل شد.

پل ریچارد، نماینده واتیکان در امور کشورهای خارجی (وزیر خارجه) و ریاض مالکی، وزیر خارجه فلسطین این توافق نامه را امضا کردند. این توافق نامه که از ۱۵ سال پیش بر سر آن مذاکره شده است، مربوط به اوضاع کلیسای کاتولیک و فعالیت های آن در اراضی فلسطین است. واتیکان «کشور فلسطین» را ۱۲ نومبر به طور رسمی به رسمیت شناخت. واتیکان جزو ۱۳۶ کشوری به حساب می‌آید که کشور فلسطین را به رسمیت شناخته است.

در همین راستا سخنگوی وزارت خارجه رژیم صهیونیستی در بیانیه‌ی از امضای این توافق نامه ابراز تاسف کرد و گفت: این اقدام پیشبرد روند صلح را با مانع روبه‌رو می‌کند و موجب ناکام ماندن تلاش های بین المللی برای بازگرداندن فلسطین بر سر میز مذاکرات است.

گیلانی بالاخره «گردن بند گمشده» را پس داد



نخست وزیر سابق پاکستان بالاخره گردن بند هدایی همسر اردوغان به سیل زدگان پاکستانی را به «اداره ثبت و داده های ملی» بازگرداند و به مناقشات پیش آمده پایان داد. به نوشته روزنامه نیشن، یکی از سخنگویان اداره ثبت و داده های ملی پاکستان گفت: یکی از نمایندگان یوسف رضا گیلانی، نخست وزیر سابق این کشور به همراه یکی از مقامات «آژانس تحقیقات فدرال» به این اداره آمده و گردن بند را به مقامات بازگرداندند. امیر حیات، مدیر اجرایی اداره ثبت و داده های ملی این گردن بند را تحویل گرفته است.

یوسف رضا گیلانی در پاسخ به سوالات یکی از بازپرسان آژانس تحقیقات فدرال ادعای اطمینان داده بود که گردن بند را به دولت بازمی‌گرداند. آژانس تحقیقات فدرال به دستور نثارعلی خان، وزیر کشور پاکستان تحقیقاتی را در خصوص این گردن بند «گمشده» به ارزش ۱ / ۶ میلیون روپیه که از خزانه داری اداره ثبت و داده های ملی گم شده بود آغاز کرد.

به گفته منابع رسمی، نماینده گیلانی به همراه نماینده آژانس تحقیقات فدرال ابتدا به «واحد کابینه» رفته تا گردن بند را به خزانه داری بسپارند اما مقامات از تحویل آن امتناع کرده و گفتند، این گردن بند جزو اموال و دارایی های آنها نیست. سپس «واحد کابینه» از آنها خواست تا با وزارت امور خارجه تماس بگیرند. وزارت امور خارجه نیز تمایلی برای دریافت این گردن بند نشان نداد. نهایتاً آنها به مقر اداره ثبت و داده های ملی رفته و این گردن بند را تحویل دادند.

انعام غنی، مدیر آژانس تحقیقات فدرال پاکستان گفت، اگرچه یوسف رضا گیلانی این گردن بند را تحویل داده اما تصمیم نهایی در خصوص تحقیقات صورت گرفته علیه وی در نتیجه ارزیابی های اظهارات مطرح شده و با در نظر گرفتن جایگاه حقوقی این پرونده اتخاذ خواهد شد.

وی افزود: پس از بررسی تمامی جوانب این پرونده، تصمیم نهایی اتخاذ خواهد شد.

همسر، رجب طیب اردوغان، نخست وزیر وقت ترکیه در سال ۲۰۱۰ میلادی این گردن بند را به سیل زدگان پاکستانی اهدا کرد. پس از آن گیلانی تصمیم گرفت این گردن بند را به یکی از زوج های سیل زده در ایالت سند دهد. اما وی در آخرین لحظه تصمیمش را عوض کرده و تصمیم گرفت تا گردن بند را خریداری کرده و پول آن را به این زوج دهد. رییس وقت اداره ثبت و داده های ملی ۲۰۰ هزار روپیه به هشت زوج جوان داد و این اقدام ارزش گردن بند را به ۱ / ۶ میلیون روپیه رساند. سپس گردن بند به مالکیت گیلانی درآمد.

گیلانی و علی ارشد حکیم، رییس وقت اداره ثبت و داده های ملی پاکستان اظهارات متفاوتی را به آژانس تحقیقات فدرال مطرح کرده اند که ضد و نقیض بوده است.

گیلانی در پاسخی کتبی به بازپرس آژانس تحقیقات فدرال گفت: من هرگز به رییس وقت اداره ثبت و داده های ملی دستور ندادم برای این گردن بند بهایی پرداخت کند و ایشان داوطلبانه این مبلغ را به زوج های تازه ازدواج کرده پرداخت کرد. پس از این پرداخت رییس اداره ثبت و داده های ملی هرگز به دنبال گردن بند نیامد و این گردن بند در دفتر نخست وزیر ماند. در نتیجه آن ها این گردن بند را به کارمند شخصی من تحویل دادند.

یونان توافق با وام دهندگان را به فراندن می گذارد

سال جاری میلادی وعده داد تا تمام تدابیر ریاضت اقتصادی را لغو کند. سیراس گفت: اجازه دهید که مردم تصمیم بگیرند. ما خواست مردم را منتقل می کنیم.

مشاور ارشد سیراس گفت: با توجه به احساسات عمومی، انتظار می رود که یونانی ها شرایط توافق پیشنهادی از سوی بستانکاران را رد کنند. در همین حال وزیر توسعه یونان هم قاطعانه گفت که پاسخ یونانی ها «خیر» خواهد بود. حزب حاکم سیریزا از رای دهندگان خواسته است تا «اولتیماتوم وام دهندگان» را رد کنند و به پیشنهاد های دولت پاسخ آری دهند.

با وجود این حزب اپوزیسیون سوسیالیست یونان نخست وزیر را به ناتوانی در تصمیم گیری و انداختن مسوولیت آن بر دوش مردم متهم کرد. مذاکرات دولت یونان و اعتبار دهندگان بین المللی این کشور به منظور جلوگیری از اعلام ورشکستگی یونان و خروج احتمالی این کشور از منطقه اقتصادی یورو صورت می گیرد.

دولت یونان تا پایان ۳۰ جون (۴ روز دیگر) باید ۱.۷ میلیارد دالر از اقساط بدهی های خود را بپردازد.

سخنرانی نخست وزیر یونان چند ساعت پس از مذاکرات در بروکسل، مقر اتحادیه اروپا صورت گرفت. در این مذاکرات، اعتبار دهندگان به یونان پیشنهاد دادند که با تمدید پنج ماهه بسته کمک های مالی به یونان، ۱۵.۵ میلیارد یورو در اختیار این کشور بگذارند که ۱.۸ میلیارد یورو برای بازپرداخت قسط بدهی های یونان فوراً در اختیار این کشور قرار می گرفت. شرط ارائه این کمک مالی، قبول درخواست های وام دهندگان برای اصلاحات بیشتر در یونان بود.

آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان خواهان آن شده که یونان، این پیشنهاد «بسیار سخاوتمندانه» را بپذیرد.

اعتبار دهندگان بین المللی یونان از جمله صندوق بین المللی پول و اتحادیه اروپا خواهان آن هستند که یونان دست به اصلاحات اقتصادی بیشتری بزند. بیشتر این اصلاحات شامل سیاست های سختگیرانه ریاضت اقتصادی، از جمله افزایش سن بازنشستگی و کاهش مزایای بازنشستگان است که با تعهدات انتخاباتی دولت سیراس تعارض دارد و وی تاکنون چنین شرایطی را نپذیرفته است.

کارشناسان اقتصادی هشدار می دهند که اعلام ورشکستگی یونان تبعات بسیاری برای این کشور و سایر کشورها خواهد داشت. این کارشناسان می گویند در صورتی که دولت یونان به دلیل نداشتن پول برای بازپرداخت بدهی ها و حقوق کارکنان دولت، اعلام ورشکستگی کند، این حرکت ممکن است منجر به خروج این کشور از منطقه اقتصادی یورو و در نهایت از اتحادیه اروپا شود. همچنین نگرانی هایی در باره عوارض و تبعات سیاسی خروج احتمالی یونان وجود دارد.



بر اساس اعلام نخست وزیر یونان، فراندن ملی بر سر شرایط توافق بازپرداخت بدهی با وام دهندگان بین المللی در پنجم جولای برگزار می شود.

به گزارش پایگاه خبری راشاتودی، الکسیس سیراس، نخست وزیر یونان اعلام کرد که مردم یونان باید تصمیم سرنوشت ساز برای تمامیت ارضی، استقلال و آینده کشورشان اتخاذ کنند. سیراس در یک سخنرانی تلویزیونی گفت: این پیشنهادها که علناً قوانین اروپایی و حقوق اساسی کار، برابری و شرافت را نقض می کند، نشان می دهد که هدف برخی از شرکا و نهادها انعقاد قراردادی با ثبات برای تمام طرف ها نیست بلکه هدف آنها تحقیر تمام مردم است.

قرار است پارلمان یونان در یک نشست ویژه، برگزاری این همه پرسی را به رای بگذارد. در صورت رای مثبت نمایندگان پارلمان یونان، این همه پرسی پنجم ژوئیه برگزار خواهد شد.

به گفته سیراس این فراندن در پنجم ژوئیه و چند روز پس از ضرب الاجل ۳۰ جون انجام می شود. آتن به منظور فرار از قصور در پرداخت خواستار تمدید کوتاه مدت بازپرداخت وام می شود و زمان برای برگزاری رای گیری به دست می آورد. علاوه بر این سیراس گفت که آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان و ماریو دراگی، رئیس بانک مرکزی اروپا از این برنامه ها مطلع شده اند.

بر اساس گزارش رسانه های محلی، در این فراندن از مردم سوال «بلی» و «خیر» به تدابیری که در توافق بدهی پیشنهاد شده است، پرسیده می شود. سیراس گفته است که خواست مردم هر چه که باشد، به آن احترام خواهد گذاشت. حزب حاکم چپگرای سیراس در زمان روی کار آمدن در ۲۵ ژانویه